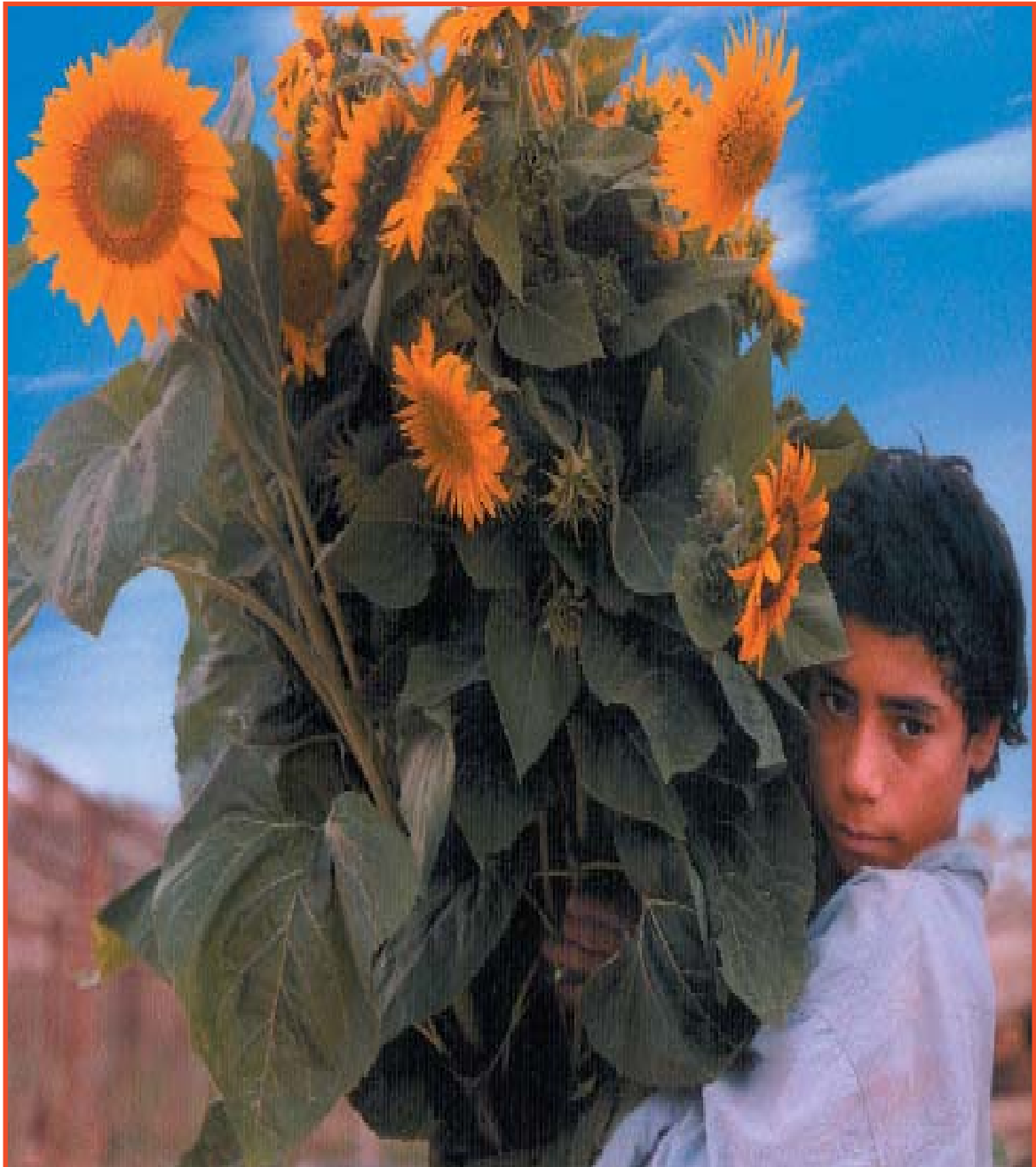




داروگ

نشریه‌ی جوانان - شماره‌ی ۷ - سپتامبر ۲۰۰۹



دفاع از حق کودکی!

داروگ

نشریه کودکان و جوانان
شماره ۷ - سپتامبر ۲۰۰۹

سرمدیر: سوسن بهار

آدرس:

Darvag
Box 854
101 37 Stockholm - Sweden

آدرس پست الکترونیکی:

darvag_darvag@yahoo.com

آدرس سایت اینترنتی:

www.darvag.com

شماره تلفن:

(046) 72- 25 15 757

جیروی پستی:

Postgiro: 1060493-2

ISSN: 2402 - 5914

فهرست مطالب

- * سخنی با شما سوسن بهار صفحه ۲
- * تشکل های کودکان، «ان. جی. او» یا... کدام تشکل مناسب است؟ با کدام ساختار؟ سوسن بهار صفحه ۳
- * در معرفی: جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان صفحه ۱۲
- * در معرفی: انجمن حمایت از کودکان کار صفحه ۱۴
- * تقدیم به خاطره‌ی گلوبال مارچ سوسن بهار صفحه ۱۶

توضیح «داروگ»: عکس روی جلد این شماره از مریم زندگی، که عکس های زیبای بسیاری از کودکان کار دارد، است.

سخنی با شما

دوستان جوان خوبم، سلام!

این شماره‌ی «داروگ» را به نقش تشکل‌های دفاع از حقوق کودکان، بررسی نقاط ضعف و قوت، و معرفی برخی از آن‌ها پرداخته‌ایم. برای شما که با دوران کودکی هنوز فاصله‌ی زیادی نگرفته‌اید و بنا به غریزه‌ی حق طلبی انسانی که در جوانان و کودکان به مراتب زنده‌تر است، در دفاع از حق کودکی حضور مستقیم دارید و نسبت به آن حساس و کنجکاوید، بررسی این گونه تشکل‌ها و آشنایی با آن‌ها لازم است. نه صرفاً برای ترغیب شما به هم‌کاری با آن‌ها، بلکه هم‌چنین برای شناخت بهتر و سازنده‌تر از این گونه نهادها.

در دنیای بزرگی زندگی می‌کنیم که پر از امکانات است. اما درست به اندازه‌ی بزرگی این دنیای پر از امکانات، کودکانی محروم از کمترین امکانات در برابر چشمان ما جان کوچک می‌دهند؛ در زیر فشار کار پر مشقت، در زیر مشت و لگد کودک آزاران، در عرصه‌ی سودآور و ننگین فحشا و سوء استفاده از کودکان، در خفقان گرد و مواد مخدر، و در جنگ‌ها و بلایای طبیعی و... پژمرده می‌شوند و از بین می‌روند.

در هر دقیقه، هزاران هزار کودک به دلیل محروم بودن از ابتدایی‌ترین امکانات بهداشتی و پزشکی جان می‌دهند؛ به دلیل واکیسینه نشدن در برابر بیماری‌هایی ساده که سال‌هاست جامعه‌ی بشری توانسته پادزهر و درمان آن‌ها را کشف کند، به خاطر کمبود یا نبود داروهای که بسیار هم ارزان قیمت هستند، جلوی چشمان غم‌زده‌ی مادران و پدران خود از دست می‌روند.

گفته می‌شود که «کودکان سرمایه‌های آینده» اند. اما کودکان امروزند و باید امروزشان را دریابیم تا آن‌ها اساساً بتوانند فردایی هم داشته باشند. امروز اما در برابر چشمان حیرت زده و باز بعضی از ماها - و بسته و بی‌خیر خیلی‌های دیگر - این به اصطلاح سرمایه‌های فردا، قربانیان سرمایه‌اندوژی‌ی مشتی از مردم‌اند که پایه‌های کاخ خوش‌بختی‌شان، پایه‌های زندگی میلیون‌ها انسان دیگر را با تحمیل فقر و فلاکت، بی‌کاری و بی‌خانمانی، به لرزه انداخته است.

اما این تمام تصویر نیست. هنوز دریچه‌ای روشن به این دنیای تاریک باز است و آن هم وجود همین گونه فعالیت‌ها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی پیشرو در زمینه‌ی دفاع از حق کودکی، شاد زیستن، محترم بودن، و داشتن امروز و فردایی روشن برای کودکان است.

به امید این که با این مطالب و با توجه به این که مدرسه‌ها باز شده است و بسیاری از شماها در این گونه فعالیت‌ها در سطح مدرسه و جامعه فعالیت دارید، با این تشکل‌ها و فعالیت‌های آن‌ها آشنا شوید، به کمک آن‌ها بشتابید و تلاش کنید بر فعالیت‌های آن‌ها تأثیرات مثبت بیشتر بگذارید.

نظرات، تجربیات و پیشنهادات خودتان در این زمینه را از «داروگ» و از آن‌ها دریغ نکنید. به بزرگ‌ترهای خود هم این مطلب مهم را یادآوری کنید.

در انتظار نامه‌های شما

سوسن بهار





تشکل‌های کودکان، «ان. جی. او» یا...

کدام تشکل مناسب است؟ با کدام سافت‌وار؟

سوسن بهار

مقدمه:

جهان از یک طرف، و کیفیت و روحیه‌ی جمعی و دموکراتیک بودن این تشکل‌ها به عنوان جزء لاینفک تضمین موفقیت آنان از طرف دیگر، بیش از پیش حس می‌شود.

بدون تلاش از پایین و دامن زدن به فرهنگ ممنوعیت کار کودک و حفظ حرمت و حق کودکی در جامعه، قوانین هر چند هم که تصویب شده باشند، فراگیر نمی‌شوند، به ملکه‌ی ذهن افراد و خانواده‌ها تبدیل نمی‌شوند و در بهترین حالت - حتی اگر دولت‌ها دیکتاتور نباشند و ضد کودک هم عمل نکنند - صرف وجود قوانین بدون وجود مراجع و نهادهای پیاده‌کننده‌ی آن در جامعه و نظارت بر پیگیری آن‌ها، کاری از پیش برده نمی‌شود.

جامعه‌ی سوئد در این باره مثال خوبی است. با وجود این که از نظر احقاق حقوق کودکان، می‌توان سوئد را با قدری اغماض بهترین کشور جهان به حساب آورد که دارای قوانین مدنی، قضایی و خانواده‌ای مدرنی است، اما این جامعه هم کماکان دچار مشکل کودک آزاری و هم آزاری کودکان در مدارس می‌باشد. بنا به گزارش نهاد «بریس» (حقوق کودک در جامعه)، در خانواده‌های سوئدی یک کودک از هر هفتصد کودک مورد آزار جنسی و فیزیکی قرار می‌گیرد. در این جامعه، ظلم علیه کودک و فرهنگ بزرگسالار که پایه در روابط اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی دارد، از بین نرفته است؛ اما به دلیل وجود قوانین و تسهیلات برای فعالیت در زمینه‌ی احقاق حقوق کودکان، بیشترین نهادها و تشکل‌های مدافع کودکان را هم داراست که می‌توانند در این زمینه تلاش کنند. یکی از دلایل غنی بودن ادبیات کودک در جامعه‌ی سوئد، وجود همین نهادها و تلاش‌شان برای احقاق حقوق و حفظ حرمت کودکی است. بنابراین، وجود تلاش‌گران عرصه‌ی دفاع از حق کودکی در همه‌ی جهان امری لازم و جزء لاینفک است به دست آوردن این حقوق است.

اگر این تبیین را قبول داشته باشیم، که اساساً موفقیت جنبش‌های اجتماعی و تحقق مطالبات آن‌ها در هر زمینه‌ای بدون شرکت و وسیع‌ترین آحاد مردم و حمایت سایر جنبش‌ها نه تنها میسر نیست، بلکه آن جنبش‌ها به جز این غیر فعال و منزوی شده و در این صورت، خطر تبدیل شدن آن‌ها به یک فرقه وجود دارد؛ پس باید تأکید کنیم که به ویژه جنبش اجتماعی برای حق کودکی از این نظر بیش از هر جنبش و حرکت دیگری به شرکت و مداخله‌ی عموم جامعه نیاز دارد. چرا که بزرگ‌ترها مسئول کودکانند و تنها و تنها با حضور فعال همه‌ی آن‌ها می‌توان قدمی به نفع کودکان برداشت. و البته به این خاطر و برای این مشارکت همگانی و جدی باید فرهنگ ساخت و تشویق کرد.

اما تلاش صرف از پایین تلاش‌گران حق کودکی هم بدون حمایت نهادهای ذیربط به سختی به نتیجه خواهد رسید. تشکل فراگیر و هم‌گام در این زمینه اگر از جزء دیگر و حیاتی خود، یعنی ساختار مناسب و منطبق با پیشروترین دستاوردها در زمینه‌ی حقوق کودک

کودک، مقوله‌ی کودکی و مفهوم آن بی شک یکی از لطیف‌ترین پدیده‌های طبیعت و هدیه‌ای زیبا به جامعه‌ی بشری است. کودکان گل‌های طبیعی انسانی جامعه‌ی جهانی و در عین حال فراگیرترین گل‌های کره‌ی زمین‌اند، که سرتاسر این کره‌ی خاکی را با رنگ و بوهای گوناگون و زیبایی‌های اثیری خود به رنگین‌کمانی از لطافت مبدل ساخته‌اند. کودک زیباست، مقوله‌ی کودکی زیباست، اما متأسفانه «کودکی» و کودک بودن برای بسیاری از کودکان در جهان معاصر زیبا نیست. چهره‌ی کودکی بر خلاف تصویری که ما از آن به یاد داریم، گلگون نیست. کودک، گرسنه، استثمار شده، بیمار و مورد خشونت فیزیکی و جنسی قرار گرفته است و تازه این برای آن دسته از کودکانی است که شانس زندگی دارند. هنوز با وجود پیشرفت‌های علمی و دستاوردهای جامعه‌ی بشری در زمینه‌ی بهداشت، کودکان بیشماری در هر لحظه به دلیل فقر و بیماری می‌میرند. علی‌رغم تلاش‌هایی که به ویژه از سال ۱۹۵۰ بدین سو صورت گرفته است، و نیز به رغم تصویب کنوانسیون‌ها و قوانین مهم در زمینه‌ی احقاق حقوق کودکان، میلیون‌ها کودک در سراسر جهان در کمال شوربختی خارج از دایره‌ی تحصیل، رشد، شادی و بازی و دنیای لطیف کودکی قرار دارند. در برخی کشورها - از جمله ایران - نه تنها قوانین به نفع کودکان عمل نمی‌کنند، بلکه قوانینی مستقیماً علیه کودکان وجود دارد. ایران البته در این مورد استثناست و کودکانش به حق فراموش شده‌ترین کودکان جهان‌اند.

وسعت پدیده‌ی کودک آزاری و استثمار کودکان در گوشه و کنار جهان، انسان‌های شریف و نهادهای زیادی را به ضرورت اقدام عملی علیه این تراژدی انسانی رسانده است و جنبش‌های اجتماعی و سازمان‌ها و نهادهای مختلفی را در این زمینه فعال کرده است.

می‌توان در عین غم‌انگیز بودن پدیده‌ی رنج کودک، که بنا به تعریف باید «شاد، آزاد، سالم و در پناه جامعه و بزرگ‌ترها در کمال رفاه رشد کند، اما از همه‌ی این مواهب محروم است»، شادمانه بیان کرد که امروز بیش از هر زمان دیگری تلاش‌گران جنبش لغو کار کودک و دفاع از حق کودکی فعالیت می‌کنند و روز بروز بر تعداد نهادهای مدافع کودکان افزوده می‌شود. شخصاً به عنوان یکی از این تلاش‌گران، این مقوله را به فال نیک گرفته و دستاوردهای تاکنونی را به همه‌ی نهادها و سازمان‌های مدافع حقوق کودکان و کل همکاران در سراسر جهان تبریک می‌گویم.

با پشت سر گذاشتن دهمین سال تصویب مقوله نامه‌ی ۱۸۲ سازمان جهانی کار، در مورد ممنوعیت کار کودکان زیر پانزده سال در عرصه‌های کار پر مخاطره، و نقشی که جنبش لغو کار کودک، کودکان کار، در شکل‌زیایی «گلوبال مارچ» در این مورد داشته است، ضرورت و نیاز وجود تشکل‌هایی از این دست در تمامی کشورهای

دولتی و دست‌اندازی آن به این گونه تشکل‌ها است، اصولاً نمی‌توان چشم‌داشتی برای بهبود وضعیت کودکان داشت.

بنابراین، بحث ساختاری و تعریف تشکل مناسب برای دفاع از حق کودکان و لغو کار کودک، یک بحث کلیدی است و نیاز به آموزش، انتقال تجربه و تربیت کادر دارد. و این یکی از موثرترین اقداماتی است، که نهادهای ذیربط می‌توانند در این زمینه انجام دهند.

به سهم خود و بر اساس تجربه‌ای که در این دو دهه فعالیت در این زمینه به دست آورده‌ام، سعی می‌کنم در این نوشته قدری به وضعیت آن. جی. اوها پردازم و سپس بدیل سازمانی مناسب با نیازها و ضرورت تاریخی حرکت اجتماعی و جنبشی در دفاع از حق کودکانی و لغو کار کودک را مطرح کنم.

اگر در آغاز قرن بیستم، شکل‌گیری آن. جی. اوها به صورت نهادهای مردمی و از پایین عمده‌ها به منظور رفع مشکلی فوری و مقطعی شکل گرفتند و برآیندی از فعالیت خودگردان جمع و یا حتی بعضاً فردی از جامعه بودند، که در غیاب توجه دولت‌ها به کمک کسانی آمدند که بدون امکانات مناسب زندگی بسر می‌بردند (این تعریف درباره‌ی شکل‌گیری آن. جی. اوها در امر پاسخ‌دهی به مشکلات فوری، حتی نهادهای سازمان ملل را هم شامل می‌شود، مانند به وجود آمدن «یونیسف» برای سامان‌یابی و کمک کردن به کودکان باقی مانده از جنگ دوم جهانی)، اما از آغاز قرن بیست و یکم - و با فروپاشی بلوک شرق و شکل‌گیری ایده‌ی گلوبالیزاسیون - بعضی از آن‌ها جزئی از سازمان و کارکرد افقی دولت‌ها در سطح جامعه شدند و با کم کردن از هزینه‌های دولتی به اعتبار کمک‌های بخش خصوصی، در واقع به بازوی دولت در امور اجتماعی تبدیل گشتند. برای بسیاری از دولت‌ها، آن. جی. اوها نه تنها مترسک نمایش آزادی تشکل هستند که بنا به تعاریفی که از سرمایه‌ی اجتماعی، نیروی انباشته‌ی انسانی و نقش آن. جی. اوها در رسیدن به دموکراسی به دلیل مدل خودگردانی و مشارکت مردمی در آن‌ها دارند ارائه شده است، از جمله (تعاریف و سه اصل سازمان ملل که یکی از آن‌ها مشارکت مردم از طریق این گونه تشکل‌هاست) راه‌حل و کلید حل معمای گذار از جوامع غیر پیشرفته به جوامع پیشرفته - اتفاقاً به دلیل قابل کنترل بودنشان - به حساب می‌آیند.

آن. جی. او، و «تشکل مردمی ساز» توسط دولت‌ها، را می‌توان به راحتی در ساز و کار به ویژه دولت‌هایی مثل جمهوری اسلامی مشاهده کرد. در کشورهایی مانند ایران، نه تنها هر گونه تشکل به اصطلاح دموکراتیک به منظور ثبت رسمی یا اجازه‌ی فعالیت باید از مقررات دولتی پیروی کند، بلکه حتی تشکل‌های مستقیم دولتی از جمله نهادهای زیر مجموعه‌ی وزات خانه‌های گوناگون نیز به نام آن. جی. او - و در واقع برای تقابل با آن‌ها ساخته شده - و به جامعه‌ی بین‌المللی به عنوان آن. جی. او معرفی می‌شوند.

همین امر به گونه‌ای دیگر درباره‌ی آن. جی. اوهای کشورهای اسلامی به اصطلاح دموکراتیک نیز صادق است. کافی است نگاهی گذرا به سازمان‌های زنان احزاب گوناگون دولتی یا حاضر در پارلمان و انطباق کامل فعالیت‌هایشان با پروژه‌های دولتی و حزبی و فراتر رفتن از چهارچوب‌های آن بیندازیم تا این مساله روشن شود.

کوتاه سخن، آن چه که امروز به نام آن. جی. او یا سازمان غیر دولتی معرفی می‌شود، کیلومترها با آغاز و پیدایش این گونه تشکل‌ها و نقش و کارکرد آن‌ها فاصله دارد.

برخوردار نباشد، اگر در بهترین حالت فاسد نشود، غیر موثر، غیر اجتماعی، منزوی و محدود خواهد ماند و در بدترین حالت به چیزی علیه نفس تشکلی خود تبدیل خواهد شد.



یکی از مشکلات امروزی تلاش‌گران عرصه‌های کار جنبشی و اجتماعی، تغییر شکل آن. جی. اوهاست که نسبت به موازین اولیه و نفس شکل‌گیری‌شان تغییرات بخشا منفی‌ای پیدا کرده‌اند.

آن. جی. اوها به ویژه در کشورهایی که از قوانین دموکراتیک برخوردار نیستند و یا اساساً دیکتاتوری‌اند، خود به خود مینیاتوری از نهادهای دولتی می‌شوند. در این جا، آن‌ها تشکلی جدا از دولت نیستند و اساساً تا زمانی که در ارتباط معینی با دولت‌ها نباشند، نمی‌توانند به عنوان آن. جی. او فعالیت کنند. این جا، در همین قدم اول، در مورد ماهیت این تشکل‌ها نقض غرض شده است؛ به این معنی که اساساً نمی‌توان واژه‌ی آن. جی. او را به معنی تشکل غیردولتی به آن‌ها اطلاق کرد. این گونه تشکل‌ها برای فعالیت موظف‌اند خود را با مقررات تعیین شده توسط دولت‌ها تطبیق دهند و اساسنامه‌های پیش‌نویس شده توسط مراجع ذیربط دولتی را بپذیرند. و بدین ترتیب، طبیعی است به ظرف‌هایی برای انجام وظایف دولت‌ها - با توجه به تعهدات آن‌ها با تایید و امضا کردن کنوانسیون‌های گوناگون مربوط به حقوق کودکان - تبدیل می‌شوند. با این تفاوت که دولت‌ها اساساً - و یا کمتر - مسئولیت اقتصادی و پیش برد این کنوانسیون‌ها را عهده‌دار هستند و این آن. جی. اوها هستند که وظایف دولت را بی‌جیره و مواجب در زمینه‌های معینی انجام می‌دهند. اگر به این مساله، نفس پذیرش و شرایط پذیرش کنوانسیون‌های مربوط به امور کودکان - مثلاً کنوانسیون‌های تطبیقی با کنوانسیون‌های حقوق کودک و سایر کنوانسیون‌های مصوبه به نفع کودکان وقتی که به اختیار تطبیق با قوانین داخلی کشورهایی مثل ایران گذاشته می‌شوند - را بیافزاییم، از ایده‌ی اولیه‌ی آن. جی. اوهای سنتی دیگر چیزی جز شیر بی‌یال و دم و اشکم باقی نمی‌ماند، که حتی روباه نقاشی شده را هم نمی‌ترساند چه رسد به گرگ‌های درنده‌ای را که دندان برای پاره کردن روح و جان کودکان بی‌گناه ما تیز کرده‌اند. (در قیاس با توحش و درنده‌خویی برخی از دولت‌های دیکتاتوری و عوامل آن‌ها، همین جا باید از پیش‌گاه گرگ که صرفاً بر اساس غریزه‌اش عمل می‌کند عذرخواهی کنم).

در کنار این مساله، اگر خود این تشکل‌ها هم از سیاست‌های اصولی و موثر در راه دفاع از حق کودکانی و مناسبات درونی و دموکراتیک درونی برخوردار نباشند، که شرطی مهم در راه مقاومت علیه مقررات

خدمت به جامعه بدون کمترین دخالت دولت به وجود آمده و نه تنها سازمانی خیریه است، بلکه در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز به فعالیت می‌پردازد. (کارگاه آموزشی سازمان غیر دولتی، بانکوک، ۱۹۹۸)

اما نگاهی به روند تاکنونی این گونه تشکل‌ها نشان می‌دهد که اولاً آن‌ها به زنده‌ی دولت‌ها تبدیل شده و نتوانسته‌اند در سطح وسیع به تهي‌دستان جامعه کمک کنند. به علاوه، در سال‌های اخیر ان.جی. اوهای عجیب و غریبی پا گرفته است که به خصوصی سازی و سیال شدن روند سرمایه کمک‌های بزرگی کرده‌اند.

تاریخچه‌ی ان.جی. اوها

در دهه‌ی گذشته، و به ویژه پس از فروپاشی بلوک شرق و برقراری به اصطلاح نظم نوین جهانی، از یک طرف، رایزنی‌هایی در جهت کم شدن نقش دولت‌ها در روند توسعه یا در تملک سرمایه توسط دولت تحت نام سرمایه‌ی اجتماعی صورت گرفته است و از طرف دیگر، جهانی شدن تسهیلات فراوانی را برای سیال بودن سرمایه و سرمایه‌گذاری فراهم آورده است. در پناه این تعاریف و عملکردها، فرصت‌های فراوانی برای شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌داران فراهم آمده است و سودهای کلانی نصیب صاحبان سرمایه شده است. برخلاف اظهارات مفسران و نهادهای ریز و درشت سرمایه، از جمله IMF-International Monetary Fund، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌ها برای تنظیم و کارکرد ساختمان اقتصادی نه تنها در وضعیت اکثریت مردم جامعه تاثیر مثبتی نداشته است، بلکه در عمل به فقر و فلاکت و بیکاری و بی‌خانمانی بیشتر انجامیده و شرایط بسیار سختی را به اکثریت عظیم کم درآمدی سراسر جهان تحمیل کرده است. جایگزینی کار مجانی کودکان، با کار بزرگسالان و بیکارسازی‌های وسیع، که به دنبال بحران اقتصادی اخیر باز هم گسترده‌تر خواهد شد، بخشی از بروزات این برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های «داهیان‌ی» نهادهای سرمایه‌ی بین‌المللی است.

بحث ان.جی. اوها به تبع تعاریف اقتصادی جدید و تبیین سرمایه‌ی اجتماعی از شکل نهادها یا حداقل از حالت جمع شدن داوطلبانه‌ی گروهی از مردم برای پاسخ‌گویی به ضرورتی مقطعی از قبیل: کمک به زلزله زده‌گان و... در آمده و عملاً به ساختاری جهت تسهیل برنامه‌ها و سیاست‌های روند توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی «آی.ام. آف» بدل شده است.

تاریخچه‌ی ان.جی. اوها در ایران

به لحاظ تاریخی در دوره‌ی معاصر، اولین ان.جی. او در ایران در دهه‌ی چهل شمسی برمی‌گردد. این تشکل در روستای محل تولد زنده یاد محمدجعفر پوینده - اشکدر یزد- در مقابل شن‌روان و به منظور جلوگیری از شن‌گیری شدن مزارع ایجاد شد. به دنبال آن در رابطه با زلزله‌ی بوئین زهرا و برای کمک به قربانیان آن، تشکلی موقتی شکل گرفت که زنده یاد تختی به ایجاد آن کمک کرد. به تدریج و در برابر سیاست‌های کلان بانک جهانی در ایران هم نهادهای مردمی کوچک به منظور برون رفت از گرفتاری‌ها به صورت پراکنده و مقطعی شکل گرفتند.

در دوران اول ریاست جمهوری خاتمی در ایران که نسبت به دوره‌های اخیر بیشتر مورد حمایت مردم بود و نهادهای قدرتمند به دولت کمک

امروزه کمتر دولتی را می‌توان سراغ داشت که سعی در گسترش نهادهای مردمی داشته باشد. ما در عصر سلطه و کنترل دولت‌ها و سودآوری هنگفت سرمایه به ضرر از بین رفتن و محدود کردن حقوق اکثریت مردم محروم و کارگر بسر می‌بریم. در واقع، در این شرایط، وظیفه‌ی این نهادها تقلیل خواست‌ها و تهي کردن خصلت مبارزاتی و اجتماعی این گونه فعالیت‌ها است. ترم‌هایی مثل نهادهای مشارکت عمومی در کشورهایی مانند ایران بیشتر به معنی مشارکت عمومی مردم در کاستن هزینه‌های دولت و مسئولیت وظایف دولتی را به گردن مردم انداختن از یک سو و محدود کردن قدرت و اختیارات این گونه نهادها از سوی دیگر است.

یک‌سان سازی و دنباله‌رو سازی از ان.جی. اوها به عنوان تابع تصمیمات سازمان ملل در عرصه‌های گوناگون، نه تنها این تشکل‌ها را از نهادهایی برای فراتر رفتن از داده‌های موجود به نهادهایی برای پاسداری از آن چه که هست تبدیل کرده است، بلکه در حفظ و پاسداری از دستاوردهای تاکنونی هم آن‌ها را خلع سلاح کرده و باز پس رانده است.

اگر بتوان گفت که در عصر گلوبالیزاسیون و جهانی شدن سرمایه، ساختار پارلمانی بیش از گذشته جواب‌گوی نیازهای اکثریت عظیم مردم جامعه نیست و آن‌ها پس رفت‌های زیادی را طی سالیان اخیر در زمینه‌های حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی متحمل شده‌اند و به این معنی، دوران پارلمان‌تاریسم از نظر بخش رو به افزایشی از مردم جامعه بسر آمده است، صد چندان می‌توان گفت که تشکل‌های ان.جی. او نیز نه تنها دیگر پاسخ‌گوی مسایل اجتماعی نیستند، بلکه بعضاً به ترمزی بر سر راه جنبش‌های فراگیر اجتماعی برای تحقق مطالبات مردم در عرصه‌های مختلف تبدیل شده‌اند؛ همان‌طور که اتحادیه‌های کارگری در برابر تشکل‌های فراگیر و طبقاتی کارگران.

با این همه، و با وجود این تبیین، به لحاظ عملی چگونه می‌توان از وضعیت موجود فراتر رفت؟ و چگونه می‌توان از عناصری از این داشته‌ها به نفع قوی‌تر شدن جنبش‌های فراگیر مردمی استفاده کرد؟ برای پاسخ به این سؤال، بایستی - جدا از اشاره به مشکلات درونی و ساختاری ان.جی. اوها - به مشکلات بیرونی و اجتماعی همین تشکل‌های نیم بند پرداخت. برای این کار لازم است در ابتدا نگاهی به تاریخچه‌ی پیدایش ان.جی. اوها بیاندازیم.

تعریف تشکل‌های کودکان

- تعریف ان.جی. اوها

در کارگاه آموزشی سازمان‌های غیر دولتی (NGO ها) که در سال ۱۹۹۸ در شهر بانکوک تایلند برگزار شد، تعاریف زیر از سازمان غیر دولتی ارائه گردید:

- سازمان از افراد خصوصی، معتقد به اصول عمده‌ی اجتماعی معینی تشکیل شده است و فعالیت‌های خود را برای توسعه‌ی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، متمرکز می‌سازد؛ - سازمان توسعه‌ی اجتماعی که هدف آن توانمندسازی افراد جامعه است؛ - سازمانی مستقل، مردم سالار و غیر فرقه‌ای است که برای توانمندسازی گروه‌های حاشیه‌ای از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی تلاش می‌کند؛ - سازمانی که معتقد است با شناخت عمیق مشکلات، در مسیر بهتر نمودن کیفیت زندگی مردم، به ویژه فقرا، ستم دیدگان و افراد مناطق حاشیه‌ای شهرها و روستاها تلاش می‌کند؛ - سازمانی که توسط افراد اجتماع و برای

منظر باعث شده است که متأسفانه علی‌رغم دستاوردهای جامعه‌ی بشری در زمینه‌ی حقوق دموکراتیک و خودگردانی‌ها، ان. جی. اوها که می‌بایست بنا به تعریف کاملاً جدا از دولت‌ها باشند، به طور واقعی و عملی به صورت نهادهای زیر مجموعه‌ی دولت‌ها در آیند و خارج از چهارچوب‌های تعیین شده و پروژه‌های مرکزی، قدرت فعل و انفعال زیادی نداشته باشند. در بهترین حالت، آن‌ها وابسته به پروژه‌های سازمان ملل و نهادهای مشابه‌اند و در بدترین حالت به ویژه در کشورهای غیر دموکراتیک، ابواب جمعی موسسات دولتی در زمینه‌های مختلف اجتماعی بشمار می‌روند. این تشکل‌ها که بنا به تعریف باید فرهنگ‌ساز جامعه باشند، نهادهای مردمی باشند و... در این شرایط هر قدر هم که بخواهند از این وابستگی فاصله بگیرند، با مشکلات عدیده‌ای از قبیل عدم دریافت اجازه‌ی ثبت و مسایل مشابه روبرو خواهند شد و این مساله باعث می‌شود که بسیاری از این تشکل‌ها تا سطح انجمن‌ها و موسسات خیریه تقلیل پیدا کنند. بحث تقبیح کار خیر نیست. هر کاری که از نیت انسانی (نه با انگیزه‌ی صدقه دادن و دفع بلا از خود که انگیزه‌ی کمک‌های مذهبیون هست و نهایت خودخواهی و دور بودن از محتوی هم‌بستگی واقعی انسانی را در خود مستتر دارد) صورت گیرد، زیبا و لازم است. اما وقتی که کار ان. جی. اوها به عنوان نهادهای

خودگران مردمی در زمینه‌ی دفاع از حق و نظارت بر دست‌یابی کودک به حقوق انسانی‌اش - یا هر موضوع کار اجتماعی دیگر - تا صرف جمع‌آوری پول کاهش یابد، محکوم به فساد و پوچ شدن است؛ چرا که بسیاری از کمک‌های جمع‌آوری شده اگر هم حیف و میل نشود، و به جیب این و آن نرود، صرف اداره‌ی دستگاه‌های عریض و طویل و بوروکراتیک این نهادها می‌شود. «یونیسف» و «نجات کودک» بهترین نمونه‌ها در این

زمینه‌اند. این دو نهاد - به ویژه یونیسف - که می‌بایست صندوق پول کودکان باشد و برای رفع مشکلات اجتماعی اقتصادی کودکان صرف هزینه کند، به گزارش خود این نهاد تنها درصد ناچیزی از کمک‌های جمع‌آوری شده‌ی مردمی را صرف پروژه‌های عملی مثلاً در زمینه‌ی لغو کار کودک یا ریشه‌کن کردن بی‌سوادی می‌کند و چیزی بیشتر از هشتاد درصد کمک‌های جمع‌آوری شده‌ی را صرف حفظ دستگاه اداری می‌نماید. تازه تبلیغات رو به جامعه و اطلاع‌رسانی از رنج کودکان، درصد بسیار ناچیزی از آن را به خود اختصاص می‌دهد. به علاوه این که بارها و بارها گزارشاتی در مورد فساد اداری و سوء استفاده‌ی کارگزاران این نهادها هم بوده‌ایم بنابراین، از منظر قدرت‌ها و به اصطلاح بالایی‌ها، ان. جی. اوها بازو و اهرم افقی ساختار دولتی و سرمایه‌دارانه برای اداره‌ی کشورها، صرفه‌جویی در هزینه‌ها و واگذاری آن‌ها به بخش سرمایه‌ی اجتماعی و نیروی مردمی است. طبیعی است که در چنین نگاهی، فاکتور خدمت‌گذاری به مردم و به خصوص محرومان جامعه، در بهترین حالت در درجه‌ی چندم قرار دارد. هر چند که از این جا تا آسمان با عاریه گرفتن مذهب و عقاید مذهبی، دعوی کمک به مردم هم بشود.



می‌کردند، با رشد و پیدایش وسیع ان. جی. اوها مواجهیم. در دوران اخیر با شکل‌گیری انجمن‌ها و تشکل‌های گوناگون زنان و کودکان و عمیق‌تر شدن اختلاف بین نیازهای این تشکل‌ها و بی‌قانونی از یک سو و وجود قوانین محدودکننده و دست و پاگیر از جانب دولت نسبت به این نهادها از سوی دیگر مواجهیم. گذشته از این، شبه ان. جی. او سازی و لوث کردن ماهیت این گونه تشکل‌ها به طور مستقیم از سوی دولت، از مشخصات دوره‌ی اخیر است. تا آن جا که به تشکل‌های کودکان برمی‌گردد، جزو اولین نهادهای راستین برای دفاع از کودکان می‌توان نهاد بنیان گذاشته شده برای سوادآموزی به کودکان کر و لال توسط جبار باغچه‌بان را نام برد. اما درباره‌ی امروز این گونه تشکل‌ها در ایران باید به این فاکت بسنده کنم که: «سازمان‌های غیر دولتی در ایران به طور مشخص و رسمی از حیث تخصصی و موضوعی، تحت پوشش یکی از مراجع رسمی دولتی، تشکیل، هدایت و اداره می‌شوند. از این میان، بیشترین آن‌ها از سوی ارگان‌هایی هم‌چون سازمان ملی جوانان، نیروی مقاومت بسیج، هلال احمر، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط

زیست مجوز دریافت کرده و فعالیت می‌کنند.» (قنادیان، ۱۳۸۴: ۲۰) گفته می‌شود که ۶۹۱۴ سازمان غیر دولتی در سراسر کشور وجود دارد، که شهر تهران با ۱۱۱۴ واحد رتبه‌ی اول و اصفهان با ۹۸۴ واحد رتبه‌ی دوم را به خود اختصاص داده است. (به آمار رسمی منتشر شده در ایران همیشه باید به دیده‌ی اغماض نگریست، چرا که دو رکن سانسور کم گفتن یا انکار و بزرگ‌نمایی و خلاف واقع نمایش دادن در کنار هم عمل می‌کند.) در

ایران یک مرام‌نامه‌ی دولتی به ان. جی. اوهایی که برای ثبت مراجعه می‌کنند داده می‌شود، که باید مبنای کار آنان قرار گیرد. در غیر این صورت، این تشکل‌ها اجازه‌ی فعالیت و ثبت را نخواهند یافت. خود تمکین کردن و اجبار به پذیرش طرح تشکیلاتی دولت، به معنی تهی شدن آن‌ها از معنی واقعی‌شان - ان. جی. او - است.

جدا از این، همان طور که در بالا هم به طور مختصر اشاره کردم، دولت ایران در برابر همین نهادهای نیمه دولتی نیز تا آن جا که به نظارت نهادهای بین‌المللی برمی‌گردد، بسنده نکرده و خود راساً به تشکیل نهادهایی به نام ان. جی. او دست زده است که بخشی از ارگان‌هایی مانند پلیس‌اند.

علی‌رغم ارتباط سیاست‌های بانک جهانی و به کارگیری ان. جی. اوها و تعاریفی که از آن‌ها ارائه شده است، به نظر من ان. جی. اوها را از دو منظر می‌توان در نظر گرفت.

پگونی و میات ان. جی. اوها

نگاه از بالا

یعنی منظری که دولت‌ها و سرمایه‌داران به ان. جی. اوها دارند. این

نگاه از پایین

در زمینه‌ی احقاق حقوق کودکان، لغو قوانین کودک آزار، تصویب و تدوین قوانین کودک نواز، مبارزه برای لغو کار کودک، تلاش برای برخورداری از حق تحصیل شایسته، نظارت بر احترام کودک در خانواده، جلوگیری از کودک آزاری، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و اعتیاد کودکان، سوء استفاده‌ی جنسی، تبعیض جنسی و ده‌ها عرصه‌ی دیگر از حیات فردی و زندگی اجتماعی کودکان، نیازمند صدها و صدها تشکل و نهاد است تا مجموعه‌ی فعالیت‌شان بتواند غمی را از دل‌های کوچک بردارد و امری به بزرگی دفاع از حرمت و روح جان‌های کوچک را پیش ببرد. بحث اما بر سر چگونگی و سبک کار در این زمینه است. تنها و تنها با داشتن درک روشنی از نحوه‌ی فعالیت و هدف‌مندی آن است که می‌توان به پیروزی این گونه فعالیت‌ها امیدوار بود. اشاعه‌ی فرهنگ کمک به دلیل انجام وظیفه‌ی انسانی و فعالیت اجتماعی برای رشد و پویایی جامعه، نیازمند روحیه‌ی هم‌دلی و هم‌کاری صمیمانه و ارزش گذاشتن و قدر دانستن مجموعه‌ی فعالیت‌های ریز و درشت در این زمینه است. نمی‌توان و نباید از تلاش صمیمانه، هر چند به لحاظ سبک کاری ناکافی، فعالین این گونه تشکل‌ها قدردانی نکرد و راهی برای هم‌کاری نیافت. به نظر من، شاقول اندازه‌گیری این بنا نه شکل ظاهری آن، بلکه ستون پایه و منظری است که فعالینش به آن نگاه می‌کنند. محدود نماندن به مینیمم‌ها و دور شدن از تعاریفی که تحت نام دفاع از حق کودکی به نوعی دیگر غریزه‌ی رهایی کودکان را به انقیاد تعبیر سرمایه‌دارانه در می‌آورد - مثل تعبیری که به عوض جلوگیری از آسیب‌هایی که جامعه‌ی متناقض به لطافت کودکی می‌زند، کودکان را آسیب اجتماعی قلمداد می‌کند و میلیون‌ها تومان و دلار و... را خرج آسیب‌شناسی و مقالات مفصل در این زمینه به عوض بالا بردن کیفیت آموزش، تحصیل رایگان و اجباری و منع کار کودک و برداشتن قدم عملی برای کمک به کودکان می‌نماید - یکی از این شاخص‌هاست. تعاریفی از قبیل این که: «ما ماهی‌گیری یاد می‌دهیم، ماهی در بشقاب نمی‌گذاریم»، که بخشا توسط خانم شیرین عبادی در زمینه‌ی کار کودکان مطرح می‌شود، جدا از ظاهر آموزنده و رو به جلوی آن، در واقع چیزی نیست جز مثلا کودکان کار خیابانی که برای خود و خانواده‌شان کار می‌کنند را در محلی دولتی جمع کردن و به شیوه‌ی ظاهرا کودک دوستانه مورد استثمار قرار دادن. از کودک کار کشیدن، به هر شکلی، یعنی حق کودکی را زیر پا گذاشتن. تمام بحث این است که جامعه باید مسئول کودکان باشد و ملزومات یک زندگی سالم و مناسب و شرافتمندانه را برای آن‌ها فراهم کند، تا آن‌ها هم بتوانند از زندگی خود در کودکی لذت ببرند و هم به نوبه‌ی خود بزرگسالان مسئولی برای نسل‌های بعدی شوند.

بنابراین، بحث در وهله‌ی اول اساسا بر سر شکل ظرف فعالیت نیست، بلکه محتوای درون است که نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در درجه‌ی دوم اما، که بسیار مهم هم هست، هر ظرفی جایگاه محتوای معینی است. به طور مثال، تشکلی که از قوانین درونی مستبدانه، الیت گرا، هرمی و به نوعی ولایت فقیه‌ی بنیان گذاشته شود، نمی‌تواند جای مناسبی برای پیش‌برد امری چنین خطیر باشد و کلا صلاحیت آن را ندارد. پس نگاه از پایین به آن. جی. اوها یعنی کمک به آن‌ها، تاثیر گذاشتن بر آن‌ها و از امکانات‌شان به نفع حق کودکی استفاده کردن.

مشکلات آن. جی. اوها

مشکلات آن. جی. اوها را به نظر من اساسا می‌توان بر دو دسته تقسیم

اما آن جا که نیازهای مردم جامعه و بی‌کفایتی دولت در اداره‌ی امور مردم به مردم و جامعه برمی‌گردد، آن. جی. او یعنی ابزاری برای تاثیرگذاری، دوا کردن دردی، و به وجود آوردن فرهنگی و در بهترین حالت راه انداختن و پیش بردن حرکتی اجتماعی به نفع کسانی که مورد محرومیت و ظلم قرار گرفته‌اند است. در نظر گرفتن این نکته به ویژه با توجه به وجود آن. جی. اوها به عنوان ظرفی برای فعالیت و استفاده‌ی مناسب از آن‌ها بسیار مهم است. بدون داشتن چنین رویکردی و تلاش برای ارتقای آن. جی. اوها و مناسب سازی آن‌ها به مثابه‌ی نیروهای پشتیبان حرکت‌های اجتماعی و جنبش‌ها، از یک طرف سرفعلی و حق استفاده از این امکان را دو دستی به دولت‌ها و بالادستی‌های جامعه تقدیم کردن است و از طرف دیگر محروم ساختن خود از امکانات موجود و بهره‌گیری از آن برای پیشرفت و غنی سازی جنبش‌های مردمی.

واقعیت این است که هر تعریفی که از آن. جی. اوها داشته باشیم و هر انتقادی که به این تشکل‌ها داشته باشیم، امروزه این نهادها ظرفی برای فعالیت بخشی از صمیمی‌ترین انسان‌ها و تلاش گرانی شده‌اند که از بسیاری چیزها گذشته‌اند تا به اندکی دستاورد برای حل معضلات معینی در جامعه برسند. وجود این گونه تشکل‌ها به سهم خود تاثیرات مثبتی چه در زمینه‌ی کار عملی و چه در عرصه‌ی ادبیات و فرهنگ سازی داشته است. بنا بر این واقعیت، نگاه من نقد نفی گرایانه و ندیده گرفتن فعالیت‌های صمیمانه و مشکلات تلاش گران آن. جی. اوایی نیست، بلکه مورد مذاقه قرار دادن آنان از زاویه‌ی منافع جنبش لغو کار کودک و جنبش دفاع از حق کودکی به نفع ماکزیمالیسم و فراگیر و اجتماعی شدن رویکرد و ساختار و جهت فعالیت این گونه تشکل‌ها و سعی در توضیح هم‌سرنوشتی آن‌ها با ما فعالین جنبش لغو کار کودک است.

واقعیت این است که آن. جی. اوها در همین شکل کنونی‌شان هم دچار مشکلات بسیاری‌اند. هر چند که بعضا به عنوان ابزاری از طرف دولت‌ها به کار گرفته می‌شوند، اما در سطحی دیگر حتی برای ثبت شدن و اجازه‌ی فعالیت یافتن از هفتاد خوان رستم هم که بگذرند، باز در اداره‌ی امور داخلی‌شان نیز با کلی دخالت و درگیری از جانب نهادهای دولتی مواجه‌اند. درک کار خیریه‌ای از این گونه تشکل‌ها، عدم وجود سنت‌های تشکلی بایبی و کار گروهی، و اعتماد نسبت به این نهادها، که اغلب از سر مسئولیت‌ناپذیری و بی‌تفاوتی برخی از افراد صورت می‌گیرد، یک معضل دیگر این نهادهاست.

به طور واقعی برای پیش‌برد یک حرکت مثبت به نفع آرمان‌ها و خواستگاه‌های مردمی، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تشکل‌های گوناگون لازم است که بتوانند با هم و در کنار هم به اهداف تعریف شده‌شان برسند. تعریفی که از کار خیر در جوامعی مانند ایران وجود دارد، بیشتر همان تصویر کاسه‌ی ابولفضل چرخاندن و لقمه‌ای نان در دهان باز شده‌ی نیازمندی گذاشتن است. این، مسکن است و نه درمان و لزوما هم از انگیزه‌های انسانی ناشی نمی‌شود. هر چند که نفس تقسیم نان بهتر از بی‌تفاوتی از کنار گرسنگان رد شدن است. اگر این گونه تلاش‌ها بتواند با کمک به یک انسان، چه کودک و چه بزرگسال، بر زندگی آن فرد تاثیر مثبت بگذارد و تغییری به وجود آورد، دارای ارزش در خود و محترمی است، اما کافی نیست. بنابراین، وجود عرصه‌های دیگر کار از جمله فرهنگ سازی، اطلاع رسانی به جامعه، پیگیری

کرد: ۱- مشکل ساختاری؛ ۲- مشکل بیرونی اجتماعی؛

مشکل ساختاری

حمایت جدی و پیگیر جنبش‌های اجتماعی دیگر، از جمله جنبش زنان و جنبش کارگری، از جنبش لغو کار کودک از همین جنس است. جنبش کارگری، به عنوان مثال، در ایران تنها در چند سال اخیر تنها اشاره‌ای به مسأله‌ی کار کودک داشته است. بی اعتمادی مردم به این نهادها به دلیل وجود نمونه‌های نامناسب، اساساً از یکی گرفته شدن این نهادها با خود به وجود آوردگان مشکل مورد بحث است. مشکلات ساختاری و اجتماعی آن. ج. اوها تاثیر مستقیمی بر روند شکل‌یابی و تحقق حق کودک در جامعه دارد. به همان اندازه که این تشکلهای منطبق بر تعریف پایه‌ای و روح ناظر بر آن یعنی مردمی بودن عمل کنند، پروسه‌ی دستیابی به این حقوق سریع‌تر پیش خواهد رفت.

برای جلب جامعه و شرکت دادن و دخالت کردن مردم و سایر نهادها و تشکلهای دموکراتیک در زمینه‌ی دفاع از حق کودکان، که بایستی بنا به تعریف خارج از زمان و مکان در حیطه‌ی مسئولیت کل جامعه باشد، به عقیده‌ی من تربیت و آموزش کادر، بازنگری در ساختار آن. جی. اوها، تلاش برای عدم دخالت دولت‌ها در کار آنان، و تشویق و نزدیک کردن آن‌ها به جنبش‌های اجتماعی، یک ضرورت و یک وظیفه‌ی تخطی‌ناپذیر همه‌ی ما به خصوص سازمان‌ها و نهادهایی است که احقاق حقوق کودکان را - که پاشنه‌ی آشیل آن لغو کار کودک و تحصیل رایگان است - در دستور دارند.

کار جنبشی در تقابل با کار آن. جی. اوی

در زمانی زندگی می‌کنیم که به دلیل امکان و گستردگی اینترنت، به طور واقعی به لحاظ کم کردن فاصله‌ی جغرافیایی بعد خبرها و اطلاعات، واقعا دنیا یک دهکده‌ی جهانی شده است و به دلیل سرعت و گستردگی انتقال این رویدادها و انعکاس هم‌سرنوشتی مردم جهان، سال‌های نوری حتی نسبت به ده سال پیش به لحاظ فاصله زمانی جلوتر رفته، بزرگ‌تر شده و گستردگی و امواج انعکاس‌اش رو به کهکشان دارد. این امکان، فرا مرز شدن امکان ارتباط، انتقال تجربه‌ها، همه گیر شدن و قابل وصول شدن اطلاعات، و... تسهیلاتی را در تمامی زمینه‌های کار اجتماعی به وجود آورده است که استفاده نکردن از آن و درجا زدن در قالب‌های پیشین نه تنها غیر معقول است، بلکه



نهایتاً به سترون و بی تاثیر شدن هر گونه پیامی که نخواهد به طور وسیع به گوش جامعه برسد، می‌انجامد. اگر بخواهیم برای چگونه بودن اجتماعی، به عنوان تلاش‌گر فرهنگی

ان. جی. او تا آن جا که به دخالت دولت و شبیه‌سازی‌های آن برمی‌گردد، روز بروز نه تنها از جنبش‌های اجتماعی دور می‌شوند و اساساً به نهادهایی بسته، در خود، و در بعضی موارد خود کامه تبدیل شده‌اند که موضوع کارشان را نه از مسایل و مشکلات جامعه، بلکه بر اساس پروژه‌های پول ساز و منطبق بر سیاست‌های تعیین شده از بالا می‌گیرند و گاهی در مناسبات درونی شان حتی سخت‌گیرتر از قوانین دولتی عمل می‌کنند و عملاً به مانعی بر سر راه فراگیر و اجتماعی شدن مسایلی از جمله حق کودک‌اند. این مسأله از نظر دفاع از حقوق انسانی کودکان و نفس و انگیزه‌ی وجود این تشکلهای، نقض غرض است.

تا آن جا که به عرصه‌ی دفاع از حق کودک و مقوله‌ی لغو کار کودک برمی‌گردد، وجود فرهنگ بزرگ‌سالاری و تقریباً تازه بودن مسأله‌ی کار کودک به عنوان یک مقوله‌ی طرح شده در جامعه هم یک مشکل است. اگر چه اساساً طرح این مسأله با وجود یک جنبش اجتماعی زنده، یعنی کمپین دفاع از حق کودک در هندوستان، هم‌راه بود. به دنبال ترور وحشیانه‌ی اقبال مسیح، کودک کارگر، به دست مافیای صاحب‌کاران در پاکستان که بعد از مراجعت او از سفر پر بار و درخشانش به اروپا و امریکا صورت گرفت - سفری که طی آن اقبال مسیح به نمایندگی از طرف هم‌زنجرانش و به عنوان سخن‌گوی آنان، با دست‌های کوچکش پرده‌ی آهنین واقعیت تلخ بهره‌کشی و استثمار از کودکان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی در پیش چشم جهانیان به کنار زد و حقیقت عربان و زشت جان‌کاهی کودکان را برای سرازیر کردن سرمایه به جیب سوداگران جان و مال مردم به نمایش گذاشت - واقعیت کار کودک ابعادی جهانی پیدا کرد. مرگ اقبال دوازده ساله، این اسپارتاکوس معاصر، به نوبه‌ی خود منشاء برگزاری سمینارها و شکل‌گیری جنبش‌ها و تشکلهای بسیاری گردید. سه سال پس از مرگ اقبال، در سال ۱۹۹۸، «گلوبال مارچ» به عنوان شاخه‌ای مستقل، علی‌رغم پیوستگی با کمپین دفاع از حق کودک در هندوستان، پا به عرصه گذاشت و این نوازده مبارک قدم، اولین قدم‌های شاد و کودکانه‌اش را در شکل جنبشی زنده و پویا و قدم کوچک زدن سیصد کودک کارگر - که در مجموع هشتاد هزار کیلومتر را دور دنیا پیمودند و ضرورت لغو کار کودک را به جهانیان متذکر شدند - برداشت و عامل منشاء تصویب مقوله نامه‌ی ۱۸۲ گردید. علی‌رغم وجود این جنبش اجتماعی زنده و جوان و شاد، مقوله‌ی لغو کار کودک و داشتن تشکل یا تشکلهایی در این باره، به عنوان مثال در ایران در سه سال اخیر صورت گرفته است.

مشکلات بیرونی و اجتماعی

درست به دلیل کمبودهای آن. جی. اوها و عدم رویکرد آنان به جامعه و وجود فرهنگ غلط و درک نادرست از کار اجتماعی از یک طرف و وجود فرهنگ بزرگ‌سالار و عدم سابقه‌ی کار اجتماعی و فرهنگ ساز و برسمیت نشناختن تاثیر این گونه فعالیت‌ها و کل تغییرات را از بالا دیدن از طرف دیگر، که به ویژه در مورد مسایل کودکان که به غلط به زعم بعضی‌ها مقوله‌ای خیره‌ای است و کمتر "بزرگ‌ترهای جدی" را به خود جلب می‌کند، آن دسته از آن. جی. اوهایی را که می‌خواهند کار اجتماعی کنند با مشکل جدی روبرو ساخته است. عدم

نداشته باشد، اگر از امکانات موجود در جامعه هم استفاده کند، که باید بکند، در ارتباطی حق طلبانه است و نه در رابطه‌ی داد و ستدی مانند کمک مالی گرفتن‌های مرسوم و پیش بردن پروژه‌های دولتی و کم کردن خرج دولت؛

۳- در زمینه‌ی حرکت‌های مردمی و فعالیت برای دست‌یابی به حقوق انسانی، رابطه‌ی جنبش‌های اجتماعی با آن. جی. اوها در این است که در حرکت‌های قوی جنبشی، این دولت‌ها هستند که به خواست‌های جنبش‌ها پاسخ‌گو می‌شوند و از نیازهای آنان با توجه به قدرت وسیع اجتماعی آن‌ها پیروی می‌کنند؛

۴- در حرکت‌های جنبشی، ساختار شورایی و فراگیر است. در کار جنبشی، درست مثل یک ارکستر سمفونی وسیع، اگر همه‌ی نوازندگان به ترتیب تعیین شده‌ی جمعی نوازند، موسیقی مطلوب نخواهد بود. علی‌رغم تفاوت سازها، هماهنگی و به هم پیوستگی آن‌هاست که می‌تواند ملودی مطلوب را بیافریند. در این گونه حرکت‌ها، رهبری در توانایی هدایت این هم‌نوازی با تکیه به نت‌های از قبل توافق شده معنی می‌یابد. رهبر این ارکستر نمی‌تواند به میل و سلیقه‌ی خود نوا را عوض کند و این او نیست که موسیقی را تولید می‌کند، بلکه این هم آوایانند که هنر او را به محک می‌گذارند و با اعتمادی که به او دارند، آوای زنده و خوش دسته‌جمعی‌شان را به شنوندگان و مخاطبین هدیه می‌کنند. در این ساختار، رابطه‌های پنهانی بین هیات مسئولین و نهادهای حمایت‌کننده وجود ندارد. و ساختار تشکیلاتی جمعی بر اساس انتخاب شدن و انتخاب کردن آزادانه عمل می‌کند. و اسناد تشکیلاتی در اختیار تمامی اعضا از طریق مجامع عمومی، یا پارلمان‌ها، یا شبکه‌ها و شوراها قرار دارد؛

۵- در کار جنبشی، جای هدف با وسیله عوض نمی‌شود. برای کار جنبشی نفس کار و فعالیت است که نیاز مالی و مثلاً نوشتن پروژه‌های معین و سازمان‌دهی جمع‌آوری کمک‌های مالی را ضروری می‌کند. در حالی که با اندک نگاهی به شکل امروزین برخی آن. جی. اوها می‌بینیم که اساساً بسته به پروژه‌های موجود پیشنهاد شده توسط مراجع معینی، فعالیتی را در دستور می‌گذارند. در واقع، آن‌ها فعال مایشایی نیستند که ضرورت نیازهای‌شان را حرمت پیوسته و ارگانیک خود آن‌ها تشکیل دهد، بلکه تابعی از ریزنی‌های دیگرانند و بایستی خود را در قالب‌های تعیین شده‌ی فعالیت به منظور بهره‌گیری از امکانات اختصاص داده شده قرار دهند؛

۶- جنبش‌های اجتماعی دگرگون‌کننده‌ی قوانین و باعث وضع قوانین بهترند (نگاه کنید به تاریخچه‌ی تصویب کنوانسیون حقوق کودک، جدا از ورژن سازمان مللی آن و تصویب کنوانسیون ۱۸۲ اتخاذ شده توسط آی. ال. او)، در حالی که آن. جی. اوها نهایتاً از قوانین موجود حفاظت کرده یا برای تعدیل موردی آن می‌کوشند؛

۷- یک حرکت جنبشی اگر به دلیل تفاوت توازن قوا در سطح جامعه یا قلع و قمع شدن توسط دیکتاتوری از هم نپاشد، ما شاهد رشد مداوم و بالندگی و تغییر قدم به قدم آن برای به انجام رساندن فعالیت‌ها و طرح مطالبات در ارتباط مستقیم با پیشرفت هستیم، در حالی که بالعکس در یک کار آن. جی. اوپی که سعی در اجتماعی شدن ندارد، شاهد سترونی و محدود شدن فعالیت‌ها و از دست دادن دستاوردها و پس رفتن مطالبات هستیم. تجربه نشان داده است، به اندازه‌ای که این تشکل‌ها با قالب‌ها و پروژه‌های دولتی و سازمان مللی و بخش خصوصی سرمایه‌داری منطبق می‌شوند، دارای ساختارهای محدود و

هر عرصه ملاکی ارائه بدهیم، ملاک و سنجش این دوره‌ی تاریخی در گستردگی حرکت و توان آن در مخاطب قرار دادن تعداد هر چه بیشتر و رویکرد به جمع هر چه وسیع‌تر است. به همین دلیل هم ما با بحث‌هایی مانند سرمایه‌ی اجتماعی روبرو هستیم. در دل چنین فضایی، با توجه به ضعف‌هایی که تشکل‌های آن. جی. اوپی در ساختار دوگانه‌ی خود دارند (از یک طرف قرار است اساساً تشکل‌هایی جدا از دولت باشند، از طرف دیگر در رابطه‌ی مستقیم با دولت‌ها و سازمان‌های نیمه دولتی قرار دارند) از این ویژگی و پیام عصر خود یعنی فراتر رفتن از خود و مرتبطین خود و رویکرد مستقیم به جامعه محرومند.

کار جنبشی به معنی کار مستقیم، از پایین، از دل جامعه، برای جامعه، با گرفتن نیرو از انسان‌هایی که جنبش برای رفع معضل آن‌ها پا گرفته است، بدیلی مناسب و پاسخ‌گوست. اگر بخواهم از تعریف کلی فاصله بگیرم و به بحث مشخص کمپین دفاع از حق کودکی برگردم، جنبش قوی، زنده و پویای «رژه‌ی جهانی علیه کار کودک» («گلوبال مارچ») نمونه‌ی زنده و واضح این بدیل حرکتی است.

«رژه‌ی جهانی علیه کار کودک»، حرکتی وسیع و اجتماعی است که در وجوه مختلف محلی و بین‌المللی به فعالیت مشغول است. اولین تفاوت این حرکت با حرکت‌های موجود در این است که از چهارچوب‌های تعیین شده برای فعالیت توسط سازمان ملل و یا دولت‌ها فراتر رفته و درست به همین دلیل توانسته یکی از مهم‌ترین کنوانسیون‌های موجود به نفع بشریت را در زمان معاصر به تصویب برساند. کنوانسیون ممنوعیت کار پر مخاطره برای کودکان زیر پانزده سال (مقاله نام‌ی ۱۸۲ سازمان جهانی کار) که به تبع رژه‌ی جهانی علیه کار کودک به تصویب رسید. «گلوبال مارچ» در این حرکت اجتماعی و وسیع توانست با رویکرد مستقیم به جامعه از تمامی نهادهای موجود از یونسف و سازمان جهانی کار گرفته تا بسیاری از آن. جی. اوها برای پیش‌برد حرکتش کمک بگیرد و بر تصمیمات این گونه نهادها تأثیر بگذارد. اهمیت و وزن این جنبش امروز در جهان به قدری است که نمی‌توان حرفی زد و یا کاری در زمینه‌ی حقوق کودکان انجام داد که در صورت مطلوب ادامه و در صورت نامطلوب در تقابل آن به نفع عوام فریبی و آب به آسیاب سرمایه‌داران ریختن نباشد.

حضور سیزده آن. جی. آوی قوی هندوستان و نپال در چهار هزار کیلومتر رژه علیه تجارت کودکان در سال ۲۰۰۷، یعنی نه سال بعد از بنیان‌گذاری «گلوبال مارچ»، که یک نمونه‌ی دیگر کار موثر جنبشی بود، گواه این است که جنبش‌های اجتماعی قوی از توانایی جذب تشکل‌ها و نهادهایی که در یک راستا - علی‌رغم تفاوت‌ها - قرار دارند، به نحو بالایی برخوردارند. بنابراین، اگر بخواهم این چکیده را جمع‌بندی کنم، باید بگویم تفاوت کار جنبشی با کار آن. جی. اوپی دارای این شاخص‌هاست:

۱- وسیع و گسترده بودن آن، رویکرد همیشه و مداوم به جامعه، تامین نیرو و امکانات از جامعه و نیروهای داوطلب؛

۲- رابطه‌ی از پایین و قدرتمند با نهادهای مختلف و حتی دولت، به این معنی که جنبش اساساً به دلیل نمایندگی آحاد وسیع مردم هم‌سرنوشت و یا کسانی که درد مشترکی دارند، نوع تماس و ارتباطش با سایرین آزادانه، متکی به فعالیت هدفمند و بی‌نیاز از پروژه‌های مالی دولتی یا سایر نهادهای ریز و درشت است. و به این دلیل، اجباری به جای گرفتن در قالب‌های مطلوب این گونه نهادها ندارد. یک جنبش اجتماعی، هر چند که در نقطه‌ی اعتلا هم قرار

اجتماعی نزدیک‌تر شده‌اند و قابلیت تبدیلی شدن به تشکل‌های جنبشی را از خود نشان داده‌اند. به هر صورت، وجود این گونه تشکل‌ها از نبودشان در حالت کلی بسیار بهتر است. اما مهم تأثیرگذاری بر آن دسته از این تشکل‌ها است که قابلیت و توان کار اجتماعی و حمایت از جنبش‌های اجتماعی را دارند.

در کنار این باید کاملا - و من زیر این کاملاً را خط می‌کشم - حساب کلیه‌ی انسان‌های شریفی را که در این گونه تشکل‌ها فعالیت می‌کنند و علی‌رغم هر مشکلی سعی در بهتر ساختن شرایط کودکان دارند و در بعضی عرصه‌ها توانسته‌اند نه تنها مسأله‌ی کودکان را به جامعه معرفی کنند، بلکه قدم‌های عملی معینی هم به نفع آن‌ها بردارند، جدا کرد. این بحث اساساً نقد نفی‌گرایانه‌ی فعالیت‌های انسانی تحت هر نامی نیست، بلکه به نفع حرکت اجتماعی رویکرد ان. ج. اوها است و مردمی شدن آن‌ها را مطالبه می‌کند. این بحث به هیچ وجه عبث بودن تلاش‌های انسانی را تحت هر نامی و با استفاده از هر ظرفی طرح نمی‌کند، بلکه هدف ارتقای این حرکت‌ها و تبدیل آن‌ها از چیزی که هستند به چیزی که می‌توانند و باید بشوند را مد نظر دارد.

جمع بندی

برای رسیدن و قدم برداشتن برای تقویت یا راه‌اندازی یک جنبش اجتماعی، محتوا و ظرف مناسب از یک سو و استفاده از داده‌های موجود به عنوان مصالح اولیه و برای ساختن بنایی محکم از سوی دیگر، از ضروریات است. ظرف مناسب این ساختار اما چه باید باشد؟

هر چند محدود و فشرده، سعی کردم محتوای این تشکل‌ها و کیفیت آن‌ها را طرح کنم. حالا سؤال این است کدام ظرف و ساختار؟ ما در «جمعیت

الغای کار کودکان در ایران»، که در سال دو هزار و در غیاب تشکلی با این نام و اهداف در آن زمان در ایران بنیان گذاشته شد، ساختار تشکیلاتی مورد نظر را به صورت اساسنامه‌ی زیر - که حاصل تجربه و حضورم در «گلوبال مارچ» و آشنایی از نزدیک با آن جنبش و توافق دیگر هم‌کارانم با آن بود - انتخاب کردیم. با اجازه‌ی همه‌ی شما عزیزان، به عنوان جمع‌بندی این بحث، متن اساسنامه‌ی جمعیت را این جا می‌آورم. برای ادامه‌ی این بحث، مجموعه سئوالاتی را برای کاپی‌لایس ساتیارتی، دبیر «گلوبال مارچ»، و احسان‌الله خان، بنیان‌گذار «جبهه‌ی رهایی بخش کودکان از کار بردگی در پاکستان» در این باره، فرستاده‌ام به عنوان ادامه‌ی بحث منتشر خواهم کرد. شما هم به این بحث بی‌بوندید.

اساسنامه «جمعیت الغای کار کودکان در ایران»

اهداف:

«جمعیت الغای کار کودکان در ایران»، تشکلی بین‌المللی است که ممنوعیت کار کودک و مبارزه علیه بردگی مزدی کودکان را در دستور

هرمی و رو به خود می‌گردند و نهایتاً شکل و فعالیت آن‌ها این گونه می‌شود که مثلاً تشکل ان. جی. اویی با موضوع کار کودکان در بهترین حالت به چانه زدن بر سر حقوق کودک با دولت مشغول می‌گردد. و نیروی اجتماعی‌ای که باید در این امر دخالت داده شوند، از دستور کار و صورت جلسه‌ی چنین تشکلی حذف می‌شود و ساختار درونی هم رو به خودکامگی می‌رود؛

۸- یک کار جنبشی، مطالبات سنت گذار دارد و در عین حال فراسوی سنت‌های موجود قدم برمی‌دارد و فرهنگ سازی را در دستور کار خود می‌گذارد. مثلاً در مورد مسأله‌ی حق کودکی، رو به آینده و در تمامی ابعاد آن حرکت می‌کند، در صورتی که بعضی از تشکل‌های ان. ج. اویی نقش مسکن را بازی می‌کنند و به صرف کار خیریه‌ای بسنده می‌کنند. کار خیریه‌ای آن هم با آن تعریفی که این کار در فرهنگ مذهبی دارد و نشأت گرفته از دفع بلا از وجود ذی‌جود خود است، از سر هم‌بستگی انسانی و ضرورت تلاش برای کمک به هم‌نوع صورت نمی‌گیرد. قطعاً داشتن مسکن از ابتلای همیشگی به درد بهتر است، اما حرف بر سر درمان درد است و قدم برداشتن در این زمینه. این‌ها را نمی‌گوییم که ارزش کار دیگر هم‌کاران را پایین بیاورم، بلکه می‌خواهم این مسأله‌ی اساسی را یادآور شوم که بدون یک کار همه جانبه و در تمام سطوح به نفع حق



کودکی، دامنه‌ی همین کارهای خیر هم محدودتر خواهد شد و ما با مشکلات و فقر بیشتر روبرو خواهیم گشت؛

۹- کارهای اجتماعی و جنبشی برای تعالی و رشد خود نیازمند ارتباط با سایر جنبش‌های اجتماعی‌اند و سعی می‌کنند در ارتباطی منطقی و متقابل با آن‌ها قرار بگیرند، به آن‌ها نیرو بدهند و از آن‌ها نیرو بگیرند. در حالی که در یک سبک کار محدود، هر تشکلی در تنهایی سعی در رشد دارد و گاهی حتی اثبات خود و قوی

بودن و شدن خود را در تضعیف دیگران و به اصطلاح از میدان به در کردن دیگران می‌داند. رقابت مخرب به جای هم‌کاری و تک‌روی به جای کار جمعی می‌نشیند؛

۱۰- و کوتاه سخن، تشکل‌های اجتماعی و جنبشی در تقابل با بعضی تشکل‌های ان. جی. اویی موجود، ساختارهای مناسبی برای کارگران و اکثریت مردم محروم در برابر تعرض سرمایه‌داری به سطح معیشت و استثمار آن‌هاست. در حالی که تشکل‌های ان. جی. اویی نهایتاً حافظ منافع سرمایه‌داری و سرشکن کردن مخارج اجتماعی بر دوش کارگران و اکثریت مردم محروم و به نفع دولت و سرمایه‌ی خصوصی‌اند؛ آیا این بحث که دوران تاریخی چنین تشکل‌هایی دارد به آخر می‌رسد، گواه عبث بودن کل تشکل‌های ان. جی. اویی است؟ و آیا همه‌ی ان. جی. اوها دارای ابعاد و فعالیت‌هایی منفی‌اند و به عنوان نیروی ترمز به کار می‌روند؟ نه! به نسبتی که این تشکل‌ها کوشیده‌اند به جامعه و مردم رو کنند؛ به نسبتی که توانسته‌اند علی‌رغم مشکلات فراوان - به خصوص در ایران - در سطوح معینی فعالیت‌هایی را انجام دهند و کار مثبتی را به انجام برسانند و حتی با استفاده از امکانات و پروژه‌های موجود دولتی قدم مثبتی به نفع دردمندان بردارند، به کار

خود قرار داده است. «جمعیت الغای کار کودکان در ایران» بسته به توان خود به کمپین‌های دفاع از حقوق کودکان و تشکل‌های مبارزه علیه کار کودکان در سطح بین‌المللی یاری رسانده و در فراخوان‌های آنان (کمپین‌های ممنوعیت کار کودک، علیه استثمار جنسی و تجارت سکس کودکان، علیه سربازگیری از کودکان) شرکت خواهد نمود و تمامی نهادها و تشکل‌های کودکان را به نوبه‌ی خود برای شرکت در فعالیت‌ها و کمپین‌های خود فرا می‌خواند. «جمعیت الغای کار کودکان در ایران» کمک به پیشبرد این مبارزه بین‌المللی در ایران را وظیفه‌ی بلاواسطه‌ی خود می‌داند.

مطالبات:

مطالبات اساسی و موضوع کار «جمعیت الغای کار کودکان در ایران» عبارتند از: - ممنوعیت به کارگیری و استثمار کودکان، و تامین تحصیلات سکولار، اجباری، رایگان و مدرن برای کودکان زیر هجده سال (منطبق با تعریف کودک در کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک) توسط دولت؛ - تضمین حقوق قانونی و شهروندی مطابق با استانداردهای جوامع پیشرفته و مدرن برای کلیه کودکان؛ - قانونی و به رسمیت شناخته شدن نهادهای دفاع از حقوق کودکان از طرف مراجع دولتی و قضائی در ایران؛ - انجام فعالیت ویژه‌ای علیه استثمار دوگانه دختر بچه‌ها و رفع معضلات زنان کارگر و ممنوعیت کار دختر و تغییر قوانین به نفع کودکان؛ - ممنوعیت سوءاستفاده‌ی جنسی از کودکان در خانواده، در صنعت و تجارت سکس و پورنوگرافی، مجازات سازمان دهندگان و استفاده کنندگان از این گونه فعالیت‌های ضدبشری؛ - به رسمیت شناخته شدن هویت انسانی و صدور شناسنامه برای کلیه‌ی کودکان متولد در خارج از دایره‌ی ازدواج رسمی و شرعی؛ - بررسی و رفع مشکلات کودکان بی سرپرست، خانواده‌های تک والدینی و طلاق گرفته؛ - کمک به کودکان جنگ زده و کودکانی که در شرایط دشوار استثنائی بسر می‌برند؛

ساختار:

- ۱- «جمعیت الغای کار کودکان در ایران» نهادی مستقل است و به شیوه‌ی دموکراتیک اداره می‌شود؛
- ۲- بالاترین مرجع این نهاد، «شورای هماهنگی» آن می‌باشد که برای دوره‌های دو ساله انتخاب می‌شود؛
- ۳- «جمعیت...» توسط شورای هماهنگی آن سرپرستی می‌شود؛
- ۴- «جمعیت...» بر واحدهای کشوری متکی است؛
- ۵- نمایندگان واحدهای کشوری، در کنفرانس مرکزی که هر دو سال یک بار برگزار می‌شود، شورای هماهنگی را انتخاب می‌کنند و درباره‌ی سیاست‌ها و کمپین‌های این نهاد تصمیم می‌گیرند؛
- ۶- کنفرانس‌های واحدهای کشوری به شکل سالانه برگزار می‌شود، سخن‌گوی واحد کشوری را انتخاب می‌نماید و نحوه‌ی فعالیت‌های این نهاد در سطح محلی را، بر حسب مصوبات مجامع مرکزی، تعیین می‌کنند؛
- ۷- مجامع کشوری و کنفرانس مرکزی با حضور نصف به علاوه یک اعضای دارای حق رای، رسمیت می‌یابد؛
- ۸- مصوبات و انتخابات این مجامع با نصف به علاوه یک آرای نمایندگان حاضر به رسمیت شناخته می‌شود؛

عضویت:

- ۱- عضویت در «جمعیت الغای کار کودکان در ایران» داوطلبانه و فردی است؛

- ۲- عضو، کسی است که حق عضویت می‌پردازد؛
- ۳- حق عضویت، سالانه پرداخت می‌شود و میزان آن، معادل ۱۰۰ کرون سوئد است؛
- ۴- کودکان زیر ۱۵ سال، عضو افتخاریند، حق عضویت نمی‌پردازند، و در رای‌گیری‌ها نیز شرکت داده نمی‌شوند؛
- ۵- کودکان بالای ۱۵ سال، در صورت داشتن درآمد و توانایی مالی، ۵۰ کرون حق عضویت سالانه پرداخت می‌نمایند و می‌توانند با حق رای قطعی در تمام رای‌گیری‌های جمعیت در همه سطوح شرکت کنند؛

فعالیت:

- ۱- تدوین و انتشار بروشورهائی به زبان‌های مختلف درباره‌ی کار و بردگی کودکان به ویژه کودکان در ایران؛
- ۲- مبارزه برای رفع تبعیض و استثمار دوجانبه‌ی کودکان دختر و رفع معضلات زنان کارگر؛
- ۳- مبارزه علیه استثمار جنسی کودکان و استفاده از آنان در صنعت و تجارت سکس و پورنوگرافی؛
- ۴- مراجعه به نهادها و مراجع بین‌المللی به منظور طرح و افشای تراژدی زندگی کودکان کارگر در ایران، و مطالبه‌ی خواست‌های معین از آنان در جهت بهبود وضعیت کودکان و ممنوعیت کار کودک؛
- ۵- تدوین برنامه‌ی آموزشی سکولار و مدرن، به عنوان آلت‌رناتیو برنامه‌ی آموزشی و جایگزینی آن با کار کودکان و تلاش برای تصویب آن در مراجع عالی، چه کشوری و چه بین‌المللی؛
- ۶- تدوین کنوانسیون‌های جدیدی به نفع بهتر شدن وضعیت کودکان و تلاش برای تصویب و به کارگیری آنان؛
- ۷- برگزاری سمینارها و کنفرانس‌هایی در زمینه‌ی حقوق و وضعیت کودکان در ایران، برای آگاه نمودن افکار عمومی بین‌المللی و سازمان‌ها و نهادهای ذیربط؛
- ۸- سازماندهی کمپین‌های اعتراضی از طریق تظاهرات‌ها و آکسیون‌ها؛
- ۹- برگزاری نمایشگاه عکس، تئاتر و جشن و... به منظور جلب توجه افکار عمومی به وضعیت کودکان؛
- ۱۰- انتشار دوره‌ای اسامی افراد (در صورت عدم مخالفت خودشان)، نهادها و نشریاتی که از کلیت اهداف آن حمایت می‌کنند؛
- ۱۱- هم‌کاری نزدیک و هماهنگ با سازمان‌هایی که در رابطه با کمپین ممنوعیت کار کودک فعالیت می‌کنند؛
- ۱۲- برگزاری یک کمپین تبلیغاتی برای افشا و بی اعتبار کردن تئوری «نسبیت فرهنگی» و تعاریف و استنتاجات ناشی از آن به ویژه در مورد کودکان، زیرا که این تئوری اکنون به وسیله‌ای برای مشروعیت دادن به بی حقوقی کودکان در کشورهای موسوم به در حال توسعه تبدیل شده؛ بهانه‌ای است برای دفاع از اقداماتی که ناقض موازین کنوانسیون بین‌المللی کودک در این کشورهاست؛ و مستمسکی است برای دائمی کردن اختلافاتی که در وضعیت کودکان و نحوه‌ی رفتار با آن‌ها در بخش‌های مختلف جهان وجود دارد؛
- ۱۳- کمپین ممنوعیت ازدواج دختران خردسال و ختنه کردن دختر بچه‌ها؛
- ۱۴- تهیه آرشیو عکس و خبر و فیلم از کار کودکان، و در اختیار جامعه و نهادهای ذیربط قرار دادن آن‌ها؛

“جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان”

سازماندهی نیروی فشار علیه سیستم استثمار کودکان و...؛

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان بر اساس این دیدگاه که کودکان مقدمند بر هر مصلحت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و...، فعالیت خویش را سازماندهی و صف بندی نموده است.

ضرورت تشکیل پروژه‌ها از خلاء موجود در زندگی کودک کار گرفته شده است. این ضرورت را می‌توان با دو اصل زیر توضیح داد:

نخست این که شرایط زندگی کودکان کار - به خصوص کار در خیابان - به گونه‌ای است که آن‌ها را در معرض آسیب‌ها و مشکلات جسمی - شخصیتی و اجتماعی قرار می‌دهد که در بیشتر موارد اثرات مخرب و جبران ناپذیر آن تا پایان عمر کوتاه و مشقت بار “کودک کار” با وی همراه می‌باشد. سوء تغذیه، بیماری‌های مختلف پوستی و گوارشی و هم‌چنین محرومیت از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و امروزی که عدم دسترسی به امکانات تحصیلی و یک زندگی سالم، شاد و برابر حداقل آن است، از جمله این موارد می‌باشند.

نکته‌ی دوم، تبلیغ سوء علیه کودکان کار و خیابان تحت عنوان زوائد اجتماع و عوامل باندهای تبهکار که توهم و انفعال بخش وسیعی از جامعه را دامن زده و در واقع وجود کودکان کار و خیابان را زیر سؤال برده و قابل انکار می‌سازد.

بی‌توجهی مسئولین دولتی نسبت به مسایل و مشکلات کودکان کار و خیابان، ناکارآمدی طرح‌ها و اقدامات صورت گرفته تاکنونی (از قبیل جمع‌آوری، ساماندهی، دستگیری و اخراج به شهرها و روستاهای محل عزیمت‌شان و...)، وجود حامیان بزرگ‌تر را ضروری می‌سازد.

بر اساس ویژگی کودک بودن این انسان‌ها و قادر به دفاع از خویش نبودن و هم‌چنین

کار و خیابان جهت حمایت و توانمند سازی از کودکان کار و خیابان.

اهداف فوری:

۱- کاهش آسیب‌های وارده بر کودکان کار و خیابان؛

۲- توجه به نیازهای جسمی، عاطفی و اجتماعی کودکان کار و خیابان؛

۳- آموزش: اعم از سواد آموزی، بهداشت، مهارت‌های فنی، هنری و اجتماعی و... اهداف تداومی:

۱- استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی در جهت حمایت عملی از کودکان کار و خیابان؛

۲- فعال نمودن و پیگیری حضور سازمان‌ها و نهادهای موظف؛



۳- قرار دادن کودک و وابستگی‌اش تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی (خدمات درمانی، تامین اجتماعی، بیمه‌ی بیکاری و...)

۴- به کارگیری مددکاران خیابانی؛

۵- واکنش سریع جهت شناسایی و جذب کودکان کار و خیابان؛

۶- تلاش برای ترویج نگاه احترام آمیز جامعه به جایگاه انسانی کودکان کار و خیابان؛

۷- تلاش برای گسترش مراکز تعریف شده‌ی فوق؛

۸- ارتباط با سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی مدافع حذف کار و تمامی اشکال سوء استفاده از کودکان در ایران و سرتاسر جهان جهت

“جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان” سازمانی غیر دولتی (NGO) است، متشکل از فعالینی که از سال‌ها پیش در زمینه‌ی حقوق کودکان تحقیق و فعالیت‌هایی داشته‌اند و مشخصاً از سال ۷۹ وارد عرصه‌ی عملی و کار مستقیم و رو در رو با کودکان و به ویژه کودکان کار و خیابان شده‌اند. اما به دلیل شرایط و مشکلات اجتماعی و حقوقی حاکم بر ایران و هم‌چنین دیدگاه‌های عقب مانده (خیریه) و فرمالیستی و رفرمیسم حاکم بر فعالیت بخش عمده‌ای از مدافعان حقوق کودک، سال ۸۲ تصمیم به فعالیت مستقل و بدون وابستگی به هیچ نهاد و موسسه‌ی دولتی و غیردولتی نمود و اهداف زیر را در دستور کار خویش قرار داد.

محور فعالیت‌های “جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان”، آموزش و حمایت از کودکان کار و هم‌هی کودکانی که به هر علت از آموزش و حمایت‌های اجتماعی محروم‌اند می‌باشد. به همین منظور سال ۸۴ “جمعیت” اقدام به تاسیس مرکزی در پاسگاه نعمت‌آباد نمود که در کنار سوادآموزی؛ کلاس‌های آموزش خلاقیت‌های ذهنی و داستان نویسی، نقاشی، تئاتر و عکاسی، آموزش مهارت‌های زندگی و حقوق کودک

برای کودکان و برگزاری هفتگی کارگاه حقوق کودک به منظور آشنایی داوطلبین در طی دو سال اخیر، از جمله‌ی این فعالیت‌های آموزشی بوده است.

اهداف:

هدف کلی: محو کار و تمامی اشکال سوء استفاده از کودکان با جلب حمایت و تشکل نیروهای اجتماعی به مثابه نیروی فشار مستقیم بر دولت‌ها و سیستم اجتماعی حاکم بر ایران و جهان.

اهداف اختصاصی: ایجاد مراکز امن و ماندگار با ویژگی قابل دسترس بودن برای کودکان

“اسم این دختر سمیرا است. سمیرا خواهرش ازدواج کرده است. سمیرا ناراحت که جهاز خواهرش را چطور بدهند. سمیرا همیشه چشمش با گریه بود.

آنها پولی نداشتند که برای او جهاز بخرند. او خرج خواهرش را می داد و کار می کرد در یک خانه خدمت کار بود. به او روزی پانصد تومان می دادند. و او پولش را عوض این که ولخرجی کند برای خواهرش نگه می داشت. پدر سمیرا کارش بنایی بود و مادرش مادر خانه بود. و یک برادر معتاد داشتند. و او به فکر عمل خود بود و پولی هم نداشتند برادر خود را از معتادی در آورند. او بفکر دوستش هم بود او بیماری ایدز داشت خیلی خطرناک بود.

یک روز سمیرا از کوچه پیچید و به برج غار برخورد کرد. از نردبان بالا رفت و توی برج یک بیمارستان دید که دوست و برادرش اون توستند و خواهرش کنار آنها ایستاده و با شادی دست تکان می دهد. از خوشحالی خودش را پرت کرد.”

ثریا، ۱۲ ساله

“یکی از روزها من رفتم پارک خیلی سردم بود آن وقت زمستان بود. من به شدت گرسنه شده بودم و آرزو داشتم یک جای گرم برم و آنجا یک عالمه غذاهای خوشمزه پیدا کنم. چون از خونه خود ما قهر کرده بودم. یک باره یک دیوار بزرگ جلوی من بود. دور تا دور دیوار گشتم و نه دری و نه پنجره بود. دیدم که یک نور دوار بزرگی دیدم. از آن بالا رفتم وقتی که بالای دیوار رسیدم یک دفعه از ته دل خندید و پرید پایین آنجا لباس گرم غذای خوشمزه دید و خانه گرم.”

نشانی “جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان”:

تهران، میدان سروی (پاسگاه نعمت آباد)، خیابان زمزم، خیابان طاهری، خیابان متین، پلاک ۵۳

پست الکترونیک:

koodak.kar@gmail.com

آدرس سایت:

www.koodakekar.org

که خود را به دست امواج بسپاریم و خیلی دست و پا نزنیم. تنها کافی ست دوربین یا قلم مو به دست او داد و تنها کاری که باقی می ماند نشان دادن دکمه ی “شاتر” است. دیر یا زود “ویو فایندر” را خودش کشف می کند. کودک خودش به ما می گوید که چه چیزهایی را می خواهد بیاموزد و در این فرآیند ما یاد می گیریم که چگونه آن چیزها را درست انتقال دهیم. این فرآیند شناخت از لحظه ی دست گرفتن دوربین آغاز می شود و تنها زمانی پایان می پذیرد که اثر روی دیوار بالا برود، حتی اگر بازدید کننده ای جز مربی و خالق اثر نداشته باشد.

با این نگاه در “جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان”، هر یک از ما بسته به تجربه و علاقه به یک قالب خاص هنری، تصمیم گرفتیم که تدارکاتچی این فرآیند جذاب باشیم و در مقابل در موقعیتی قرار بگیریم که قبل از



دیگران از نتیجه ی آن لذت ببریم. نقاشی، عکاسی، تئاتر، مجسمه سازی، قصه نویسی و... در این جعبه ی ابزار قرار گرفت؛ هر چند جا برای ابزارهای بیشتر در این جعبه هنوز خالی است.

«برج غار» و «غار تار»

کلاس هایی در مدرسه ی “جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان” با عنوان کلاس داستان نویسی برگزار شده است، که حاصل این کلاس ها نوشتن صدها داستان توسط کودکان بوده است و این داستان ها در دو کتاب به نام های «برج غار» و «غار تار»، توسط ع. ص. خیاط باشی، گردآوری شده است که چند داستان از این دو کتاب را در زیر می توانید مطالعه فرمایید:

لرزم تشکل و فعال شدن حامیان بزرگ تر، پروژه های آموزشی و حمایتی تشکیل می شوند. پروژه در یک کلام به معنی تاسیس محلی امن و قابل دسترس برای کودکان کار و خیابان است.

از جمله فعالیت های این تشکل، دامن زدن به خلاقیت های هنری کودکان است.

کودک کار قبل از این که بازی کردن را یاد بگیرد، باید به اقتصاد خانواده فکر کند. و قبل از این که دوستی پیدا کند، باید به نوع رابطه ی خود با صاحب کارگاه شکل بدهد و همین طور که بزرگ تر می شود، بیشتر بین دیواره های خانواده و محل کار فشرده می شود و آن قدر بین فک های این گیره شکل می گیرد که جزیی از آن می گردد.

در گیر و دار این تنگنا فرصتی برای گفتن و فکر کردن به “من هستم” نمی ماند، جز زد و خورد های خیابانی با هم سن و سالان برای این که فراموش نشود که او “هست”.

هنر، در هر شکل و قالبی، قبل از هر چیز، خلق چیزی است که بالفعل وجود نداشته. پس درکی است متقابل بین سوژه و ابژه. مخلوق و خالق در ارتباط دیالکتیکی با هم مفهوم پیدا می کنند و بدون یکی، دیگری ماهیت وجودی فعلی را ندارد.

بازی کردن، نقاشی کردن و حتی عکاسی کردن حق کودک است؛ چون

هر انسانی حق دارد که باشد و وقتی چیزی خلق می کند که قبلا وجود نداشته به خودش یادآوری می نماید که “هست”، حتی اگر این حق با کندن کلمه ای یا شکلی با چاقو بر پوست درخت سر کوچه بروز کند.

با این مقدمه می توان گفت هنر ابزار این هدف است و فراتر از این که چقدر این آثار هنری مورد توجه منتقدان، روان شناسان کودک، دیگر کارشناسان و عموم جامعه قرار گیرد، وسیله ای است برای احقاق حق بودن و تنها سلاح ما در برابر نظم موجود اجتماعی که ما را از خود بیگانه می سازد.

وقتی می خواهیم به کودکان راه ابراز افکارشان در قالب های هنری را بیاموزیم، باید متدهای آکادمیک آموزش هنر را فراموش کنیم. محیط ارتباط با کودک چنان متلاطم و غیر قابل پیش بینی است که شاید بهترین کار این باشد

“انجمن حمایت از کودکان کار”

دوره امکان افزایش تا ۴۵۰ نفر از کودکان به طور روزانه در این بخش وجود دارد.

اشتیاق کودکان و حضور مداوم آن‌ها، ما را به این مهم می‌رساند که ماده‌ی بیست و هشتم کنوانسیون حقوق کودک: “آموزش حق همه‌ی کودکان است” را جدی‌تر بگیریم.

• برگزاری کلاس‌های سوادآموزی برای بیش از هزار کودک کار از مقطع پیش‌دبستانی تا سوم راهنمایی؛

• برگزاری کلاس‌های حرفه و هنر به منظور توانمندسازی و ارتقای اعتماد به نفس در کودکان کار مانند: گل‌دوزی، خیاطی، آرایش‌گری، معرق، عکاسی، نمایش، فیلم‌سازی، داستان‌نویسی، موسیقی و...؛

• برگزاری کلاس‌های حقوق کودک و شهروندی؛

• برگزاری دوره‌های آموزش محیط زیست و اجرای طرح تفکیک زباله و آگاه‌سازی افراد محل توسط کودکان کار با هم‌کاری شهرداری منطقه‌ی دوازده؛

• برگزاری کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی و قرآن مجید؛

• برگزاری کلاس‌های تقویتی؛

از آن‌جا که بسیاری از کودکان کار، آسیب دیده و در معرض آسیب مشکلات و موانعی نظیر فقر اقتصادی، الگوهای نامناسب

فرهنگی، موانع تحصیلی و... را دارند، این بخش که در حوزه‌ی فعالیت‌های حمایتی انجمن قرار دارد، در کنار کودکان و خانواده‌های‌شان قرار گرفته و با شناسایی مشکلات کودکان کار و استمرار ارتباط خود با کودک و خانواده‌اش ضمن توانمندسازی آنان، مشکلات‌شان را کاهش داده و یا کنترل می‌نماید تا کودک با آسودگی خاطر بیشتری به آموزش بپردازد.

بخش مددکاری:

• بازدید از منزل کودکان کار تحت پوشش؛

کودکان؛

• ایجاد زمینه برای اجرای دقیق مفاد پیمان نامه‌ی جهانی حقوق کودک؛

• تلاش در جهت بهبود شرایط کودکان کار و بسترسازی برای رسیدن به هدف اصلی و نهایی انجمن که همان “محو کار کودک” است.

بخش آموزش:

تجارب جهانی ثبت شده حاکی از این مهم بوده که آموزش موثرترین ابزار در راه مبارزه علیه کار کودکان است. بر همین اساس، فعالیت‌های آموزشی یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های کاری این انجمن تعریف شده که در این حوزه تلاش می‌گردد علاوه بر



آموزش سواد، خواندن و نوشتن آموزش‌هایی به منظور توانمندسازی، بالا بردن عزت نفس و خودباوری در کودکان همواره در دستور کار قرار گیرد.

حضور کودکان تحت پوشش در بخش آموزش انجمن حمایت از کودکان کار: بر اساس آمار ارائه شده، عطش آموزش دیدن در کودکان کار کاملاً مشهود بوده به طوری که در فاصله‌ی بین دو نیمه در سال ۱۳۸۲ تعداد کودکان دو برابر شده و نسبتاً با همین تعداد آموزش‌های پیگیرانه صورت گرفته است. به دلیل گنجایش فعلی فضای ساختمان، در هر

حمایت از حقوق کودکان به ویژه کودکان محروم و کودکانی که در معرض آسیب‌های ناشی از بحران‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی و حوادث طبیعی هستند، وظیفه‌ای است انسانی - اجتماعی که بر عهده‌ی یکایک افراد، سازمان‌ها و نهادهاست. بی تردید بدون توجه کافی به حقوق کودکان و سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در امر آموزش، بهداشت و ارتقای سطح زندگی آنان امیدی برای دست‌یابی به دنیایی بهتر وجود ندارد.

“انجمن حمایت از کودکان کار” به عنوان نهادی مردمی، غیر دولتی، غیر سیاسی و غیر انتفاعی به منظور ایفای مسئولیت اجتماعی و انسانی خود و با هدف حمایت از کودکان کار و کودکان در معرض آسیب از مرداد ماه سال ۱۳۸۱ با مجوز رسمی وزارت کشور به شماره‌ی ۱۴۶۰۷ تلاش خود را در این عرصه آغاز نموده است.

منظور از کار کودک، درگیر نمودن کودکان در فعالیت‌های اقتصادی است که مانع تحصیل، آموزش و برخورداری آنان از امکانات اولیه‌ی رشد فردی و اجتماعی‌شان می‌شود که با آسیب و بهره‌کشی همراه است.

به رسمیت شناختن هویت انسانی کودکان، اساس کار انجمن است.

برنامه‌های انجمن حمایت از کودکان کار:

• اقدام اجرایی به منظور حمایت از کودکان کار و کودکان در معرض آسیب و آرایه‌ی الگویی عملی؛

• فراهم نمودن مأمونی در دسترس کودکان؛

• آگاه‌سازی و جلب افکار عمومی به منظور ایجاد زمینه‌های مشترک مردمی جهت رفع معضل کار کودکان؛

• تلاش در جهت ارائه‌ی پیشنهاد و راهکار به مراجع تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری برای جهت‌گیری بیشتر قوانین حمایتی به نفع

• پیگیری موارد جراحی کودکان کار و تامین بخش عمده‌ی هزینه‌ی جراحی؛

خدمات تغذیه:

• برگزاری دوره‌های آموزش علمی برای تغذیه‌ی کودکان دو تا شش سال؛
• توزیع مکمل آهن و مولتی‌ویتامین به کودکان کم‌تر از دو سال؛
• مشاوره‌ی تغذیه برای کودکان، نوجوانان و مادران؛
• توزیع شیر مدرسه و نان غنی شده سه روز در هفته به کمک آموزش و پرورش منطقه؛
• ارائه‌ی میان وعده‌ی گرم یک روز در هفته شامل عدسی یا تخم مرغ؛
• توزیع میوه یک روز در هفته؛

بخش روان‌شناسی:

کودکان کار به دلیل شرایط بد اقتصادی خانواده‌های‌شان از دنیای کودکی، امکانات ورزشی، آموزشی و تفریحی محروم بوده و به دلیل عدم وقت کافی برای بازی و بهره بردن از دنیای کودکی دچار بحران هویت و عاطفه شده و در صورت عدم رسیدگی و حمایت دچار بحران‌های روانی می‌شوند.
(به این منظور، اقدامات زیر در دستور کار این نهاد قرار دارد):

• تشکیل پرونده‌ی روان‌شناسی برای کودکان کار؛
• مشاوره‌ی فردی، گروهی و تحصیلی به کودکان کار و خانواده‌های‌شان؛
• برگزاری کلاس ویژه برای کودکان دیرآموز؛
• اجرای آزمون‌های روان‌شناختی؛
* * *

آدرس سایت "انجمن حمایت از کودکان کار":

www.apcl.org.ir

* * *

انجمن هپاتیت، سرخک؛
• برگزاری دوره‌های بهداشت فردی، دختران، پسران؛

• شنوایی‌سنجی کودکان کار تحت پوشش؛
• بینایی‌سنجی کودکان کار تحت پوشش؛
• تشکیل پرونده‌های کنترل رشد کودکان کم‌تر از هشت سال؛
• توزیع کرم دست و صورت، خمیردندان و مسواک بین کودکان کار تحت پوشش؛
• آموزش بلوغ دختران با گروه سنی چهارده تا هجده سال با هم‌کاری انجمن تنظیم خانواده؛
• برگزاری جلسات مشاوره و آموزش پیشگیری از ایدز و اعتیاد برای گروه سنی



چهارده تا هجده سال با هم‌کاری مرکز بهداشت شرق؛

خدمات درمانی:

• شناسایی، معرفی، پیش‌گیری و درمان کودکان کار مبتلا به بیماری‌های خاص؛
• معرفی و ارجاع کودکان کار کم‌تر از دوازده سال به بخش دندان پزشکی دانشگاه تهران و بهره‌گیری از خدمات رایگان دندان پزشکی؛
• حضور پزشک عمومی داوطلب یک روز در هفته و ویزیت رایگان در محل انجمن؛
• معاینه، درمان و غربال‌گری شپش و توزیع شامپو به کودکان کار؛

• تشکیل پرونده‌ی مددکاری برای بیش از هزار و چهارصد کودک کار؛
• شناسایی و بررسی مشکلات فردی و خانوادگی کودکان کار و تلاش برای حل آن‌ها؛

• شناسایی و پیگیری موارد کودک آزاری؛
• شناسایی و پیگیری پرونده‌های کودکان بدسرپرست، بی‌سرپرست و ارجاع آنان به مراکز نگهداری شبانه‌روزی؛
• ارتباط مداوم با خانواده و کارفرمایان کودکان کار؛
• اقدام به گرفتن شناسنامه برای کودکان؛
• توزیع مواد غذایی بین تعدادی از خانواده‌های کودکان کار؛

• خدمات مشاوره‌ای فردی و گروهی توسط کودکان کار و خانواده‌های‌شان؛

• بررسی و پیگیری مسایل حقوقی کودکان با مشورت و راهنمایی حقوق دانان؛

• اجرای طرح هوش هیجانی با هم‌کاری سازمان بهزیستی؛

• ارتباط با مراکز علمی هم‌چون دانشگاه‌های "علامه طباطبایی"، "تربیت معلم"، "آزاد رودهن"، برای گذراندن دوره‌ی کارورزی دانشجویان؛

بخش بهداشت، درمان و تغذیه:

با توجه به این نکته که کودکان و نوجوانان تحت پوشش به دلایل مالی، فرهنگی، مشکلات اقتصادی و کار زود هنگام از وضعیت بهداشتی و تغذیه‌ی مناسبی برخوردار نبوده و در صورت ابتلا به بیماری کم‌تر به پزشک مراجعه و یا در صورت مراجعه، پیگیری‌های بعدی را انجام نمی‌دهند، تشکیل بخش بهداشت، درمان و تغذیه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

خدمات بهداشتی:

• واکسیناسیون کودکان کار تحت پوشش

DARVAG

Journal for youth
No.7 - September 2009

Editor: Susan Bahar

Adress: Darvag

Box 854

101 37 Stockholm - Sweden

www.darvag.com

E.mail: darvag_darvag@yahoo.com

Tel: (046) 72- 25 15 757

Postgiro: 1060493-2

ISSN: 2402 - 5914

تقدیم به خاطره‌ی گلوبال مارچ

سوسن بهار

هوای بازی تو سره
وقتشو اما نداره
در ریاضی زندگی
شادی رو من کم می‌آره.

من یک کودک کارگره
تن پوشی کهنه به تنه
الماسی رو تراشیدم
نه واسه‌ی گردن خودم
هزار تا یاسمن چیدم
بی هیچ گلی رو پیرهنم
هزار تا کورک پنبه
نشد بالشت زیر سره.

در تب و فستگی کار
شعله‌های سرفه آتیش
گزنده بود، رقصی نداشت
نارنجی‌های فشفشه

ترقه‌های سبز و سرفه
تو دستای کوچک من
با رنگ ترس و دلهره
شلاق و ترکی کتک
فرقی نداشت.

هوای شادی تو سره
شوق آزادی تو دلم
نگاه کن گرد جهان
رو به تو فریاد می‌زنم.

نگاه کن گرد جهان
رو به تو فریاد می‌زنم.